



Identification of the Building Elements of Text in the Story "The Ancient Story or Historical Novel"

Behnaz Vahabian¹, Masoud Dehghan², Ebrahim Badakhshan³, Akram Korani⁴

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. E-mail: vahabian_behnaz@yahoo.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor of Linguistics, Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: m.dehghan@uok.ac.ir
3. Associate Professor of Linguistics, Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: badakhshane@uok.ac.ir
4. Assistant Professor of Linguistics, Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. E-mail: korani222@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 29 August 2020

Accepted: 26 December 2020

Keywords:

cognitive approach,
discourse world,
world-building elements,
plot-advancing propositions,
sub-worlds.

ABSTRACT

The present study aims to study the elements of the worlds of text in the story *The ancient story or historical novel* by Hedayat. This study was conducted using Text World Theory (1999) to identify the elements of the worlds of text based on three semantic layers of the discourse world, text world, and sub worlds. The results revealed that the writer has used the element of "time" to create suspension and narrates the story at different times so as to keep the audience in suspension, despite the fact that characters, places, and objects are completely clear and no suspension is observed; also demonstrated that role-advancing propositions used in the text world of this story are mainly descriptive since the writer must describe in order to induce the image and the addressee must illustrate for the purpose of communication. Also, in terms of the sub worlds, the locative hint is not so bold; instead, the writer focuses on the time. Findings showed that we can analyze hidden aspects and layers using the model of the worlds of a text.

Cite this article: Vahabian, B., Dehghan, M., Badakhshan, E., Korani, A. (2022). Identification of the Building Elements of Text in the Story "The Ancient Story or Historical Novel". *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (4), 129-151.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/jlw.2020.5663.1475



شناسایی عناصر سازنده متن در داستان «قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی»

بهناز وهابیان^۱، مسعود دهقان^۲، ابراهیم بدخشان^۳، اکرم کرانی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: vahabian_behnaz@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: m.dehghan@uok.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: badakhshane@uok.ac.ir

۴. استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: korani222@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عناصر جهان‌های متن در داستان «قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی»، اثر هدایت، بوده که اثری هدفمند در راستای توصیف وضعیت اسفناک جامعه موجود است. این جستار با اتخاذ چارچوب انگاره جهان‌های متن ورث (۱۹۹۹) در تلاش است که عناصر سازنده جهان‌های متن را در داستان مذکور شناسایی و آن‌ها را بر اساس لایه‌های سه‌گانه معنایی جهان‌گفتمان، جهان متن و جهان‌های زیرشمول در این انگاره واکاوی نماید. بررسی‌ها نشان داد که نویسنده از عنصر «زمان» برای ایجاد تعلیق در داستان استفاده کرده و مدام داستان را در زمان‌های متفاوت به جریان می‌اندازد تا مخاطب خود را در تعلیق نگه‌دارد. این در حالی است که شخصیت‌ها، مکان‌ها و اشیاء کاملاً مشخص هستند و تعلیقی در آن‌ها دیده نمی‌شود. نتایج نشان داد که گزاره‌های نقش‌گستر به‌کاررفته در جهان متن این داستان عموماً توصیفی‌اند، زیرا نویسنده باید برای القای تصویر، توصیف کند و خواننده نیز برای برقراری ارتباط با داستان باید تصویرسازی کند. همچنین، از نظر جهان‌های زیرشمول نیز در این داستان، اشاره مکانی چندان پرنسب نیست و در عوض نویسنده بیشتر بر زمان تأکید دارد. یافته‌ها نشان داد که با بهره‌گیری از انگاره جهان‌های متن می‌توان به ابعاد و لایه‌های پنهان داستان دست یافت.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۸ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۶ دی ۱۳۹۹

واژه‌های کلیدی:

رویکرد شناختی،
جهان‌گفتمان،
عناصر جهان‌ساز،
گزاره‌های نقش‌گستر،
جهان‌های زیرشمول.

استناد: وهابیان، بهناز؛ دهقان، مسعود؛ بدخشان، ابراهیم؛ کرانی، اکرم (۱۴۰۰). شناسایی عناصر سازنده متن در داستان «قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی». فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۴)، ۱۲۹-۱۵۱.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/jlw.2020.5663.1475

۱- مقدمه

رویکرد شعرشناسی شناختی^۱ یکی از رویکردها در زبان‌شناسی شناختی است که در تحلیل متون می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، به‌گونه‌ای که هم بر متن و هم بر ذهن احاطه دارد. نکته حائز اهمیت این رویکرد آن است که با زبان شروع می‌شود و نه با ایدئولوژی که به باور فریمن^۲ (۲۰۰۰، ۳۰۱) نوعی فرایند شناختی است که از آن با عنوان «درک بدن‌مند»^۳ یاد می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی عناصر جهان‌های متن در داستان «قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی»، اثر صادق هدایت، انجام گرفته و بر اساس انگاره جهان‌های متن^۴ به توصیف و تحلیل سه لایه معنایی جهان گفتمان^۵، جهان متن^۶ و جهان زیرشمول^۷ در متن داستان مذکور می‌پردازد. ورث^۸ (۱۹۹۹) پایه‌گذار این نظریه، در اوائل دهه ۱۹۹۰ میلادی چارچوبی برای آن ارائه کرد. انگاره جهان‌های متن، مدلی از پردازش زبان انسانی است که بر اساس مفاهیم بازنمایی ذهنی بوده و دیدگاه تجربه‌گرایی زبان‌شناسی شناختی را به اشتراک می‌گذارد. گاوینز^۹ (۲۰۰۷: ۸) معتقد است که این مدل شناختی از چارچوبی گفتمانی برخوردار است، بدان معنا که توجه آن نه تنها به متنی خاص، بلکه به بافت پیرامون آن نیز هست که بر تولید و پذیرش آن تأثیر می‌گذارد.

وهابیان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی انگاره جهان‌های متن در داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی لیمیتد» پرداختند و نتایج نشان داد که زمان «گذشته ساده» در بین زمان‌ها، عنصر «خانه» در بین مکان‌ها، و از بین گزاره‌های نقش‌گستر عنصر «روایی» و از بین جهان‌های زیرشمول «جهان معرفت‌شناختی» از بیشترین فراوانی برخوردار هستند. دهقان و وهابیان (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی گفتمان استعاری یکی از آثار حسین پناهی با عنوان *کابوسهای روسی* بر اساس انگاره آمیختگی مفهومی پرداختند و نتایج نشان داد که وی در ترکیبات استعاری به‌کاررفته در این اشعار با استفاده از ادغام دو فضای درون‌داد ذهنی و نیز شبکه دوساحتی به‌گونه‌ای از این

1. cognitive poetics
2. M. H. Freeman
3. Embodied cognition
4. Text World Theory
5. discourse world
6. text world
7. sub-world
8. P. Werth
9. J. Gavins

انگاره بهره گرفته است. رضائی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از نظریه آمیختگی مفهومی، فرایند معنی‌سازی را در یکی از اشعار کامران رسول‌زاده مورد بررسی قرار دادند. وندربم^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «انگاره جهان متن و داستان‌های مربوط به خود: شناسایی دیدگاه گفتمان شناختی» یک رویکرد جهان‌متنی برای مطالعه هویت زبانی در تعاملات گفتمانی ارائه کرده است. هرگریوز^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی نقش انگاره جهان متن را مورد بررسی قرار داده است تا نشان دهد که اثرات دیدگاهی یا نقطه نظرات چگونه در افسانه‌ها اتفاق می‌افتند. استاک‌ول^۳ (۲۰۰۲) بیان کرده است که شعرشناسی شناختی راه جدیدی برای فکرکردن به ادبیات است که شامل کاربرد زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی در متون ادبی می‌شود. همچنین، ترنر^۴ (۱۹۹۶) بیان می‌کند که تمام اعمال و رفتارهای روزمره از ذهن و تفکر ادبی نشأت می‌گیرد و در واقع، دانش ادبی اساس عملکرد ذهن ماست.

همچنین، ماهیت روش شناختی پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کیفی و کمی) بوده و تعداد نه بند به روش کتابخانه‌ای از متن داستان «قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی» استخراج و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند.

۲- نظریه جهان‌های متن ورث (۱۹۹۹)

انگاره «جهان‌های متن» با بهره‌گیری از فرضیات شناختی، اولین بار توسط ورث (۱۹۹۹) مطرح شد، و بعدها افرادی مانند استاک‌ول (۲۰۰۲) و گاوینز (۲۰۰۷) آن را به‌کار بردند. براساس این انگاره، انسان‌ها وقتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، صحنه، فضا و جهان را در ذهن خود به تصویر می‌کشند (اوبرگان^۵ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۴۴). این انگاره رویکردی شناختی در شعرشناسی شناختی است که از سه سطح مشخص مفهومی تشکیل شده است؛ این سطوح عبارتند از: جهان گفتمان، جهان متن و جهان زیرشمول. اولین سطح، جهان گفتمان است که بافت موقعیتی بلافصل گوینده یا نویسنده و نیز مخاطبان را شکل می‌دهد. جهان گفتمان نه تنها مشارکین در ارتباط و تمام عناصر بافت بلافصل آن‌ها را فرامی‌گیرد، بلکه تمام دانش شخصی و فرهنگی را که آن‌ها با خود به

1. I. van der Bom
2. H. Hargreaves
3. P. Stockwell
4. M. Turner
5. P. Obergón

رویداد زبانی می‌آورند نیز شامل می‌شود که براساس احساسات و باورهای شخصیت‌های داستان شکل می‌گیرد (ورث، ۱۹۹۹: ۱۱۷). همچنین، به باور گاوینز (۲۰۰۷: ۱۰) بازنمایی‌های ذهنی که انسان‌ها هنگام ارتباط با هم در ذهن خود شکل می‌دهند، «جهان‌های متن» نامیده می‌شوند. گاوینز (۲۰۱۷: ۲) بیان کرده است که مفهوم‌سازی و درک بازنمایی‌های ذهنی انسان از موقعیت‌های تجربه‌شده از طریق طرح‌واره‌ها و چگونگی شکل‌گیری و به‌کارگیری این مفهومی‌سازی‌ها جهان متن نامیده می‌شود. عناصری که جهان‌های متن را شکل می‌دهند، عناصر جهان‌ساز نام دارند. استاکول (۲۰۰۲: ۱۳۷) عناصر جهان‌ساز را به چهار دسته زمان، مکان^۱، شخصیت^۲ و اشیاء^۳ طبقه‌بندی کرده است که در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول (۱). عناصر جهان‌ساز (استاکول، ۲۰۰۲: ۱۳۷)

زمان	مکان	شخصیت‌ها	اشیاء
زمان صرفی فعل	قیدهای مکانی	گروه اسمی	گروه اسمی
نظام وجه فعل‌ها	بندهای مکانی	ضمیرها	ضمیرها
قیدهای زمانی ^۴	گروه اسمی مکانی خاص		
بندهای قیدی			

به باور استاکول (۲۰۰۲) دومین عنصری که متنیّت و جهان‌های متن را شکل می‌دهد، عنصر گزاره نقش‌گستر^۶ نام دارد که پویایی جهان متن را در این انگاره به تصویر می‌کشد. در گزاره‌های نقش‌گستر افعالی هستند که به توصیف شخصیت‌ها و اشیاء می‌پردازند. این عناصر، نوعی کنش را در این افعال نشان می‌دهند و در نتیجه باعث ساخته‌شدن کنش‌ها^۷، رویدادها، حالت‌ها و فرایندها و هر استدلال و اسناد^۸ مرتبط با اشیاء و شخصیت‌ها در جهان متن می‌شوند (گاوینز، ۲۰۰۷: ۱۳۲). گزاره‌ها در این انگاره به روایی^۹، توصیفی^{۱۰}، گفتمانی^{۱۱} و دستوری^{۱۲} طبقه‌بندی می‌شوند که از

1. schemata
2. location
3. character
4. object
5. temporal adverbs
6. role-advancing
7. actions
8. predicate
9. narrative
10. descriptive
11. discursive
12. instructive

اسناد، کارکرد^۱ و کارگفت‌های خاصی برخوردارند. گزاره‌ها در جدول زیر نشان داده شده‌اند.

جدول (۲). گزاره‌های نقش‌گستر (استاک‌ول، ۲۰۰۲: ۱۳۸)

نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
روایی	کنش، رویداد	پیرنگ‌گستر ^۲	گزارش ^۳ ، برشمردن ^۴
توصیفی: صحنه شخص روال عادی ^۵	حالت ^۶ حالت، وصفی ^۷ عادت ^۸	صحنه‌گستر ^۹ شخص‌گستر ^{۱۰} عادت‌گستر ^{۱۱}	توصیف صحنه ^{۱۲} توصیف شخصیت ^{۱۳} توصیف عادت ^{۱۴}
گفتمانی	ربطی ^{۱۵}	موضوع‌گستر ^{۱۶}	فرض ^{۱۷} ، نتیجه
دستوری	امری ^{۱۸}	هدف‌گستر ^{۱۹}	درخواست ^{۲۰} ، فرمان ^{۲۱}

جهان‌های زیر شمول در سومین لایه، نوعی از تنوع در متنیت را نیز ایجاد می‌کنند؛ بدون آنکه کمترین گسستگی را در همان جهان متن مورد نظر ایجاد کنند. به‌عنوان مثال: نویسنده با واپس‌نگری که در روایت ایجاد می‌کند باعث تشکیل جهان زیرشمول درونی می‌شود و جالب‌تر آن‌که بلافاصله بعد از اتمام آن واپس‌نگری، مجدداً توجه مخاطب را به جهان متن اصلی جلب می‌کند (استاک‌ول، ۲۰۰۲: ۱۴۰). شخصیت‌های داستان نیز در پیدایش جهان متن جدید دخیل

1. function
2. plot-advancing
3. report
4. recount
5. routine
6. state
7. attribute
8. habitual
9. scene-advancing
10. person-advancing
11. routine-advancing
12. describe scene
13. describe character
14. describe routine
15. relational
16. argument-advancing
17. postulate
18. imperative
19. goal-advancing
20. request
21. command

هستند. به این صورت که، گاهی واپس‌نگری‌هایی در شخصیت‌های داستان رخ می‌دهد که همراه با دگرگونی‌هایی در زمان و مکان است و این دگرگونی‌ها باعث ایجاد جهان متن بدیعی می‌شود. (گاوینز، ۲۰۰۷: ۴۹).

۳- واکاوی انگاره جهان‌های متن در داستان

۳-۱- جهان گفتمان

جهان گفتمان بر اساس احساسات و باورهای شخصیت‌های داستان شکل می‌گیرد. بنابراین، در این لایه از انگاره جهان‌های متن به این موضوع اشاره خواهد شد که در این داستان، شرکت کنندگان سوار، دختر و پیرمرد هستند. جهان گفتمان این داستان نیز مانند سایر داستان‌های صادق هدایت فریبنده و عجیب است. این خصوصیت اصلی نوشته‌های هدایت است که خواننده تا پایان نمی‌تواند ماهیت شخصیت‌های داستان را به درستی تشخیص دهد که اگر قرار باشد هدایت خود جزء یکی از شخصیت‌های داستان محسوب شود، آن یک نفر چه کسی خواهد بود؟ مکان وقوع این قضیه داستانی، ابتدا توسط راوی به صورت کلبه‌ای محقر توصیف می‌شود و سپس مشخص می‌شود که این کلبه محقر، قصری مجلل است و این مؤید جابجایی راوی از ذهنیت سوار به راوی اصلی یا دانای کل است. راوی تعمداً خواننده را در چندین مسیر جابجا کرده و در نهایت در حالی که ذهن خواننده را به سمت یک داستان عاشقانه و وقایع آن هدایت می‌کند، به ناگاه قهرمان مرد داستان را که تا اینجای داستان فردی خوش هیكل، جذاب و بلند بالا توصیف شده با لحنی تحقیرآمیز می‌کشد.

۳-۲- جهان متن

در لایه دوم انگاره جهان‌های متن، عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر را در ۹ بند از داستان موردنظر مورد بررسی قرار خواهیم داد. نقطه شروع این داستان از جلوی در خانه دختر جوانی شروع می‌شود و نقطه پایان داستان چند قدم آن‌سوتر در حیاط خانه همان دختر اتفاق می‌افتد. عاقبت خوشی در انتظار شخصیت اصلی داستان، کارایی تاپان، نیست. داستان با دنیای واقعی شخصیت اصلی، یعنی کارایی تاپان، شروع می‌شود. در نیمه راه وارد دنیای تخیلی وی می‌شویم که نقطه اوج داستان است. خاتمه داستان به دنیای واقعی برمی‌گردد، اما این برگشت به سود شخصیت اصلی نیست.

بند اول: ابرهای سیاه ژولیده، سطح شفاف آسمان را پوشانیده بود، صدای غرش آسمان گرمبه در صحن صحرا طنین‌انداز شده بود که ناگهان سواری بلند بالا از دور خودش را در پوستین بخارانی پیچیده چهار نعل می‌تازاند، همین که دم کلبه حقیری فرا رسید دق‌الباب کرد. در باز شد و دختر جوانی با گیسوان سیاه، چشم‌های درشت جذاب و دماغ قلمی از پشت در گفت: «ای سوار رعنا تو کیستی و از کجا می‌آیی؟»

جدول (۳). عناصر جهان‌ساز در بند اول داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
ابر	-	آسمان	گذشته کامل (وجه اخباری): پوشانیده بود
-	-	صحرا	طنین‌انداز شده بود
پوستین	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	صحرا	پیچیده (بود)
-	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	از دور	گذشته استمراری (وجه اخباری): می‌تازاند
کلبه	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	دم کلبه	گذشته ساده (وجه اخباری): فرارسید
در	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	-	دق‌الباب کرد
-	-	-	در باز شد
-	دختر جوان	پشت در	گفت
-	دختر جوان	-	حال ساده (وجه اخباری): کیستی (که هستی)
-	دختر جوان	کجا	حال اخباری (وجه اخباری): می‌آیی

عناصر جهان‌ساز بند اول فضا سازی هنرمندانه‌ای بر کل داستان است. خواننده با ذکاوت با خواندن کلماتی نظیر «ژولیده، آسمان گرمبه، ناگهان» به آوارگی و آشفتگی شخصیت اول یعنی کاراپی تاپان، و اتفاقات برق‌آسا و ناگهانی داستان رهنمون می‌شود. کاربرد زمان گذشته کامل بیانگر گذشت اوضاع پریشانی است و رسیدن به زمان حال؛ مکان داستان هنوز «پشت در، دم کلبه و کجا (نامفهوم)» است. همان‌گونه که پیداست، شخصیت‌های اصلی با فاصله ذکر شده‌اند و هنوز به صورت مکالمه‌ای در کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند. اشیاء داستان «ابر و پوستین» هستند که هر دو نماد پوشش، محوشدگی و عدم عریانی‌اند.

جدول (۴). گزاره‌های نقش‌گستر در بند اول داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
ابره‌های سیاه ژولیده، سطح شفاف آسمان را پوشانیده بود	توصیفی: صحنه	وصفی	صحنه‌گستر	توصیف صحنه
صدای غرش آسمان‌غرمه در صحن صحرا طنین‌انداز شده بود	توصیفی: صحنه	وصفی	صحنه‌گستر	توصیف صحنه
سواری بلند بالا خودش را در پوستین بخارائی پیچیده	توصیفی: شخص	حالت / وصفی	شخص‌گستر	توصیف شخصیت
سواری بلند بالا... از دور... می‌تازاند	توصیفی: صحنه	وصفی	صحنه‌گستر	توصیف صحنه
(همین که) سواری بلند بالا... دم کلبه حقیری فرارسید	توصیفی: صحنه	حالت	صحنه‌گستر	توصیف صحنه
سواری بلندبالا... دق الباب کرد	روایی	کنش	پیرنگ‌گستر	گزارش
در باز شد	روایی	کنش	پیرنگ‌گستر	گزارش
دختر جوانی... از پشت در گفت	روایی	کنش	پیرنگ‌گستر	گزارش
دختر جوانی با گیسوان سیاه، چشم‌های درشت جذاب و	توصیفی: شخص و	وصفی	شخص‌گستر	توصیف شخصیت
دماغ‌قلمی	توصیفی: صحنه	حالت	صحنه‌گستر	توصیف صحنه
ای سوار رعنا تو کیستی و از کجا می‌آیی	دستوری	امری	هدف‌گستر	درخواست

در این بخش، نویسنده با توصیف صحنه، فضای موجود را در ذهن خواننده تداعی می‌کند؛ در بین توصیف‌های صحنه، توصیف شخصیت را نیز ذکر می‌کند تا خواننده، ارتباطی بین توصیف صحنه و توصیف شخص در ذهن خودش ایجاد نماید. همچنین، نویسنده شروع داستان را با توصیف محیط و شخصیت‌ها پیش می‌برد.

بند دوم: همین که چشم سوار بر دختر اصابت کرد محو جمال او گردید؛ دست روی قلبش گذاشت و گرپ روی زمین نقش بست، دختر بازوهای او را مالش داد، سوار به حال آمد و زیر لب با خودش گفت:

«مان کارایی تاپان، قونسول آرمانستان هاستام، که بداربار مالکان مالکا ایران و آنیران اسمردیس غاصب عازم می‌باشام.»

جدول (۵). عناصر جهان‌ساز در بند دوم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
			گذشته ساده (وجه اخباری):
-	دختر جوان	دم کلبه	اصابت کرد
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گردید
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گذاشت
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	روی زمین	نقش بست
-	دختر جوان	-	مالش داد
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	به حال آمد
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گفت

ادامه جدول (۵).

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	حال اخباری (وجه اخباری): میباشام
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	حال ساده (وجه اخباری): هاستام (هستم)

عناصر جهان‌ساز در این بند مملو از زمان گذشته ساده است. داستان بیش از این که به زمان دستوری توجه کند، معطوف به وجه اخباری آن است و به دنبال زمان ماضی ساده، بلافاصله به زمان مضارع اخباری وصل می‌شود تا خواننده را از گذشته غیردور به حال پرتاب کند. همچنین، از عنصر مکان به صورت آگاهانه حداقل استفاده را برده است (آوارگی کنونی شخصیت اصلی)؛ همان موارد اندک هم «بلا تکلیفی» شخصیت اول داستان، یعنی کارایی تاپان، را با کلمات «دم در، روی زمین» القاء می‌کند. عنصر اشیاء هم کاملاً خالی است؛ گویی که شخصیت اصلی ساده و بی تکلف آمده است.

جدول (۶). گزاره‌های نقش گستر در بند دوم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
گزارش	پیرنگ گستر	کنش	روایی	همین که چشم سوار بر دختر اصابت کرد ... سوار به حال آمد و زیر لب با خودش گفت:
توصیف صحنه	صحنه گستر	حالت	توصیفی: شخص	مان کارایی تاپان. قونسول آمانستان هاستام که بدریار مالکان مالکا ایران و انیران اسمردیس غاصب عازم می‌باشام
توصیف شخصیت	شخص گستر	وصفی	توصیفی: شخص	

در بند فوق، گزاره‌های نقش گستر، توجه خواننده را از کلی گویی به جزئیات داستان معطوف کرده‌اند و به عبارتی، به توصیف شخصیت اصلی داستان محدود شده است.

بند سوم: قلق و اضطراب دختر از وجناتش هویدا بود، زیرا که او هم به یک نظر عاشق کارایی تاپان فرستاده ارمنستان شده بود. سپس گفت: «ای جوان خیلی خوش آمدی: صفا آوردی کلبه حقییر ما را منور نمودی».

جدول (۷). عناصر جهان‌ساز در بند سوم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
-	دختر جوان	-	گذشته ساده (وجه اخباری): هویدا بود
-	دختر جوان	-	گفت
-	دختر جوان	-	خوش آمدی
-	دختر جوان	-	صفا آوردی
-	دختر جوان	کلبه	منور نمودی
-	دختر جوان	-	گذشته کامل (وجه اخباری): عاشق شده بود

در این بند، نویسنده سعی دارد تا با نادیده گرفتن عناصر جهان‌سازی، همچون مکان و اشیاء، توجه خواننده را به یکی از شخصیت‌های داستان که دختر جوانی است معطوف کند.

جدول ۸. گزاره‌های نقش گستر در بند سوم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
توصیف صحنه توصیف شخصیت	صحنه‌گستر شخص‌گستر	حالت حالت	توصیفی: صحنه توصیفی: شخص	قلق و اضطراب دختر از وجناتش هویدا بود (دروغ‌گیری: دختر مضطرب بود)
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنشی	روایی	دختر ... به یک نظر عاشق کاراپی تاپان فرستاده ارمنستان شده بود
گزارش توصیف شخصیت توصیف شخصیت نتیجه	پیرنگ‌گستر شخص‌گستر شخص‌گستر گزاره‌گستر	کنشی وصفی حالت ربطی	روایی توصیفی: شخص توصیفی: شخص گفتمانی	سپس گفت: «ای جوان خیلی خوش آمدی: صفا آوردی کلبه حقییر ما را منور نمودی». (دروغ‌گیری: خوشنودی دختر از آمدن سوار)

از آنجایی که گزاره‌های نقش گستر در داستان به‌مثابه عناصری هستند که داستان را به پیش می‌برند و به‌عبارتی، پیش‌برنده داستان محسوب می‌شوند، بنابراین تکرار جملات در این بند از زبان دختر جوان، حوادث را به سود کاراپی تاپان پیش می‌برد.

بند چهارم: کاراپی تاپان افسار اسبش را به در بست، زیر بغل ماه سلطان خانم را گرفت خرامان خرامان وارد کلبه حقییر شدند. ولی کلبه آن‌ها حقییر نبود و دختر از راه شکسته نفسی گفته بود حقییر است. باغ بزرگی بود که به انواع ریاحین آراسته و به گل‌های خوشبو پیراسته بود؛ مرغان خوش الحان روی شاخسار درختان نغمات عشق انگیز می‌خواندند. کاراپی تاپان گلچین گلچین با ماه سلطان خانم راه می‌رفتند، گل می‌گفتند و گل می‌شکفتند.

جدول (۹). عناصر جهان‌ساز در بند چهارم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
			گذشته ساده (وجه اخباری):
در، افسار اسب	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	کلبه	بست
-	دختر جوان / سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	کلبه	گرفت
-	دختر جوان / سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	کلبه	وارد شدند
-	-	کلبه	حقییر نبود
ریاحین	-	باغ	بود
گل‌ها	-	باغ	بود

ادامه جدول (۹).

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
-	دختر جوان	-	گذشته کامل (وجه اخباری): گفته بود
-	-	شاخسار درختان	گذشته استمراری (وجه اخباری): می خواندند
-	دختر جوان/ سوار ارمنی (کارابی تاپان)	باغ	راه می رفتند
-	دختر جوان/ سوار ارمنی (کارابی تاپان)	باغ	گل می گفتند
-	دختر جوان/ سوار ارمنی (کارابی تاپان)	باغ	گل می شکفتند

زمان در بند بالا، گذشته است اما گذشته گوارایی که برای هر دو با گذشته استمراری تکرار می شود... نویسنده تمایل دارد تا لحظات خوش دو شخصیت را در قالب زمان گذشته استمراری بیان کند تا به خوشی و شادمانی آن‌ها تداوم بخشد. مکان از کلبه بیرون می آید و به باغ تغییر می یابد. باغ نمایانگر لحظات خوش است؛ اکنون دو شخصیت کاملاً دوشادوش هم ذکر می شوند. همچنین، اشیاء نیز به سوی آنچه دل‌انگیز است پیش می رود.

جدول (۱۰). گزاره‌های نقش گستر در بند چهارم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
گزارش	پیرنگ گستر	کنش	روایی	کارابی تاپان افسار اسبش را به در بست،
توصیف صحنه	صحنه گستر	حالت	توصیفی: صحنه	زیر بغل ماه سلطان خانم را گرفته
گزارش	پیرنگ گستر	کنش	روایی	وارد کلبه حقیر شدند
توصیف صحنه	صحنه گستر	حالت	توصیفی: صحنه	کلبه آن‌ها حقیر نبود
نتیجه	موضوع گستر	ربطی	گفتمانی	دختر از راه شکسته نفسی گفته بود
توصیف صحنه	صحنه گستر	حالت	توصیفی: صحنه	باغ بزرگی بود که به انواع ریاحین آراسته و به گل‌های خوشبو پیراسته بود؛ مرغان خوش الحان روی شاخسار درختان نغمات عشق انگیز می خواندند
توصیف صحنه	صحنه گستر	حالت	توصیفی: صحنه	کارابی تاپان گلچین گلچین با ماه سلطان خانم راه می رفتند، گل می شکفتند و گل می شکفتند

در بند فوق، توصیف‌ها بیش از آنکه به توصیف شخصیت‌های داستان پردازد، توصیف صحنه است. آشکار است که برای نویسنده، همچنین، تداعی صحنه و القای محیط پیرامون، پررنگ‌تر و مهم‌تر از خود اشخاص است.

بند پنجم: ماه سلطان خانم دنباله حرف او را گرفت: - «کلبه حقیر ما را منور نمودی. همانا به درستی که روز سپری شده و شب فرا رسیده؛ امشب را در کلبه حقیر ما به‌سر آور، یک ملاغه آب دیزی را زیاد می‌کنیم».

جدول (۱۱). عناصر جهان‌ساز در بند پنجم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
			گذشته ساده (وجه اخباری):
-	دختر جوان	-	دنباله... گرفت
=	دختر جوان	-	نمودی
=	دختر جوان	در کلبه	امشب (قید زمان)
			حال کامل (وجه اخباری):
-	-	-	سپری شده (است)
-	-	-	فرار سیده (است)
			وجه امری:
-	دختر جوان	کلبه	به‌سر آور
			حال اخباری (وجه اخباری):
ملاغه	ما	-	زیاد می‌کنیم

شایان ذکر است که تکرار عباراتی که در اوایل داستان نیز ذکر شده بود، بر تکرار خواسته قلبی ماه سلطان تأکید دارد. اصولاً تکرارهای هدایت در داستان‌هایش کاملاً عمدی و هدفمند هستند.

جدول (۱۲). گزاره‌های نقش‌گستر در بند پنجم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	ماه سلطان خانم دنباله حرف او را گرفت
نتیجه	موضوع‌گستر	ربطی	گفتمانی	کلبه حقیر ما را منور نمودی
توصیف صحنه	صحنه‌گستر	حالت	توصیفی: صحنه	روز سپری شده و شب فرا رسیده
درخواست	هدف‌گستر	امر	دستوری	امشب را در کلبه حقیر ما به‌سر آور
فرض	موضوع‌گستر	ربطی	گفتمانی	یک ملاغه آب دیزی را زیاد می‌کنیم

گزاره نقش‌گستر این بند، حوادث داستان را به نفع شخصیت‌های اصلی پیش می‌برد. تعارفات و اصرارهای شخصیت ماه سلطان در داستان به جملات دستوری و امری، «خواهشی» عاشقانه بیش نیست.

بند ششم: کلب زلف علی: «به به! خوش آمدی که مرا خوش آمد از آمدنت. هزار تا جان گرامی فدای هر قدمت».

جدول (۱۳). عناصر جهان‌ساز در بند ششم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گذشته ساده (وجه اخباری): خوش آمدی
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	آمد
-	کلب زلف علی (گوینده)	-	

عناصر جهان‌ساز در این بند، نیز در پی کسب محبوبیت، مقبولیت و معرفی کارایی تاپان، شخصیت اصلی داستان، است.

جدول (۱۴). گزاره‌های نقش‌گستر در بند ششم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
نتیجه	موضوع‌گستر	ربطی	گفتمانی	خوش آمدی ... هر قدمت.

بنابراین، گزاره نقش‌گستر در بند فوق نیز با بهره‌گیری از متن گفتمانی می‌خواهد داستان را در ورای جملات، به سود کارایی تاپان پیش ببرد.

بند هفتم: کارایی تاپان شرط تعظیم و تکریم به جای آورده، زمین ادب بوسه داد و به روی نشیمن قرار گرفت. کلب زلف علی، گیلانی و یسکی سودا به سلامتی کارایی تاپان سرکشید و یک گیلان کاکتل هم به دست او داد که گرفت به سلامتی ماه سلطان خانم لاجرعه هورت کشید. سپس از هر در سخن به میان آمد.

جدول (۱۵). عناصر جهان‌ساز در بند هفتم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گذشته کامل (وجه اخباری): به جای آورده (بود)
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گذشته ساده (وجه اخباری): بوسه داد
نشیمن	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	روی نشیمن	قرار گرفت
گیلانی	پیرمرد	-	سرکشید
گیلاس	پیرمرد	-	به دست او داد
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گرفت
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	هورت کشید
-	-	-	به میان آمد

شخصیت‌ها در این بخش، پیرمرد و کارایی تاپان هستند تا خواننده به صمیمیت ایجادشده در بین آن‌ها مطمئن شود. اشیاء موجود بساط عیش و نوش است تا خواننده نیز دنبال‌کننده لحظات خوش

آن‌ها باشد. مکان روی نشیمن است و نه باغ تا هم به نزدیکی آن دو اشاره کند و هم باغ را مکان مقدسی برای ابراز عشق در ذهن خواننده محفوظ و مقدس نگه دارد.

جدول (۱۶). گزاره‌های نقش گستر در بند هفتم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	کاراپی تاپان شرط تعظیم و تکریم به جای آورده، زمین ادب بوسه داد و به روی نشیمن قرار گرفت
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	کلب زلف علی، گیلای ویسکی سدا به سلامتی کاراپی تاپان سرکشید و یک گیلای کاکتیل هم به دست او داد ... سپس از هر در سخن به میان آمد.

همان‌گونه که از گزاره نقش گستر بند بالا پیداست، نوع متن روایی است تا با نوع اسنادی که می‌آورد، کنش‌های موجود را بیان کند. همچنین، با استفاده از کارگفت گزارشی، لحظه به لحظه اوقات خوش شخصیت‌های داستان را برمی‌شمرد.

بند هشتم: کاراپی تاپان دعوت او را اجابت کرد و اجازه رخصت خواست که برود و استراحت بنماید. ماه سلطان خانم او را به اطاق خواب مجلی دلال نمود که همه مبل و اثاثیه آن کار «گالری باربس» بود بعد بوسه‌ای با انگشتان مواج به طرف او فرستاد و رفت. کارپی تاپان جامه از تن برگرفت و در رختخواب افتاد، ولی کجا خواب می‌توانست به چشمانش بیاید؟ همه‌اش مثل مار غلت می‌زد و به خودش می‌پیچید و سیگار پشت سیگار می‌کشید و خواب به دیده‌اش نمی‌آمد. ناگاه در همین وقت صدای پیانو از اطاق مجاور بلند شد که آهنگ «طوطی به سر درخت» را می‌زدند.

جدول (۱۷). عناصر جهان‌ساز در بند هشتم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
			گذشته ساده (وجه اخباری):
-	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	-	اجابت کرد
-	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	-	رخصت خواست
-	دختر جوان	اطاق خواب	دلال نمود
مبل و اثاثیه	-	اطاق خواب	بود
انگشت	دختر جوان	-	فرستاد
-	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	-	رفت
جامه	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	-	جامه برگرفت
رختخواب	سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	رختخواب	افتاد
پیانو	-	اطاق مجاور	بلند شد

ادامه جدول (۱۷).

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
- - -	سوار ارمنی (کاراپی تاپان) سوار ارمنی (کاراپی تاپان) سوار ارمنی (کاراپی تاپان)	- - -	حال التزامی (وجه التزامی): برود استراحت بنماید می توانست بیاید
رختخواب رختخواب سیگار - پیانو	سوار ارمنی (کاراپی تاپان) سوار ارمنی (کاراپی تاپان) سوار ارمنی (کاراپی تاپان) سوار ارمنی (کاراپی تاپان) -	رختخواب رختخواب - - اطاق مجاور	گذشته استمراری (وجه اخباری): غلت می زد می پیچید می کشید نمی آمد (وجه منفی) می زدند

اکنون عناصر جهان متن در این بند، در خدمت خواسته‌ها و آرزوهای شخصیت‌ها قرار می‌گیرند. اشیا و مکان دست در دست هم داده‌اند تا این حس آتشین را شعله‌ور سازند. کاربرد زمان گذشته استمراری بر تکرار این حس در وجود شخصیت‌ها تأکید دارد.

جدول (۱۸). گزاره‌های نقش‌گستر در بند هشتم داستان

کارگفت	کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	کاراپی تاپان دعوت او را اجابت کرد
درخواست	هدف‌گستر	امری	دستوری	اجازه رخصت خواست که برود و استراحت بنماید
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	ماه سلطان خانم او را به اطاق خواب مجللی دلالت نمود
توصیف صحنه	صحنه‌گستر	حالت	توصیفی: صحنه	همه مبل و اثاثیه آن کار «گالری باربس» بود
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	بوسه‌ای با انگشتان موج به طرف او فرستاد و رفت
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	روایی	کاراپی تاپان جامه از تن برگرفت و در رختخواب افتاد
فرض	موضوع‌گستر	ربطی	گفتمانی	ولی کجا خواب می‌توانست به چشمانش بیاید
توصیف شخصیت	شخص‌گستر	حالت	توصیفی: شخص	همه‌اش مثل مار غلت می‌زد و به خودش می‌پیچید و سیگار پشت سیگار می‌کشید و خواب به دیده‌اش نمی‌آمد
توصیف صحنه	صحنه‌گستر	حالت	توصیفی: صحنه	صدای پیانو از اطاق مجاور بلند شد. آهنگ «طوطی به سر درخت» را می‌زدند.

در بخش فوق، گزاره‌های نقش‌گستر عموماً روایی هستند تا بیانگر انجام کنشی از جانب شخصیت اصلی در جهت رسیدن به مقصود و هدف باشند.

بند نهم: اگر این قضیه رخ نمی‌داد، داستان تاریخی عشق‌بازی کارایی تاپان با ماه سلطان خانم در زمان اسمردیس غاصب در جزیره شیخ شعیب خیلی مفصل و بامزه می‌شد، ولی متأسفانه قهرمان رمان ما صدای توپ کرد و ما مجبوریم داستان او را به همین جا خاتمه بدهیم، و سلام.

جدول (۱۹). عناصر جهان‌ساز در بند نهم داستان

اشیاء	شخصیت‌ها	مکان	زمان
-	-	-	گذشته استمراری (وجه اخباری): رخ نمی‌داد می‌شد
-	دختر جوان / سوار ارمنی (کارایی تاپان)	جزیره شیخ شعیب	
توپ	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	حال ساده (وجه اخباری): (مجبور) هستیم
-	ما	همین جا	حال التزامی (وجه التزامی): خاتمه بدهیم
-	سوار ارمنی (کارایی تاپان)	-	گذشته ساده (وجه اخباری): کرد

در این بند، نویسنده در بخش شخصیت‌های عناصر جهان متن، «ما» را نیز وارد شخصیت‌های داستان می‌کند. نویسنده در شروع و میانه داستان از گذشته ساده کمترین استفاده را کرده است.

جدول (۲۰). گزاره‌های نقش‌گستر در بند نهم داستان

کارکرد	نوع اسناد	نوع متن	جمله
کارگفت	ربطی	گفتمانی	اگر این قضیه رخ نمی‌داد
فرض	موضوع‌گستر	روایی	داستان تاریخی عشق‌بازی کارایی تاپان با ماه سلطان خانم در زمان اسمردیس غاصب در جزیره شیخ شعیب خیلی مفصل و بامزه می‌شد
گزارش	پیرنگ‌گستر	کنش	ولی متأسفانه قهرمان رمان ما صدای توپ کرد و ما مجبوریم داستان او را به همین جا خاتمه بدهیم، و سلام.
فرض	موضوع‌گستر	ربطی	گفتمانی

یافته‌ها نشان داد که عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در ساخت جهان متن کارایی تاپان نسبت به جهان‌های متن دیگر شخصیت‌های داستان، بیشتر است. به طور کلی، زمان به‌کاررفته در

داستان زمان گذشته است که بیانگر گذشت امور در خلال یادآوری وقایع از سوی راوی که شخصیت اصلی و قهرمان داستان است. همچنین، در جدول‌های فوق مشخص است که چگونه گزاره‌های نقش‌گستر به‌مثابه ابزاری جهت درک این متن ادبی در پویایی و حرکت داستان به سوی جلو ایفای نقش می‌کنند. بنابراین، با استفاده از ابزار شعرشناسی شناختی، کشف شبکه‌های ساختاری داستان فراهم می‌شود. همچنین، در خلال تحلیل‌های انجام‌گرفته مشخص شد که در شناسایی گزاره‌های نقش‌گستر در مواردی، حضور بیش از یک نوع متن مشاهده می‌شود که بر دیگر مقاطع که همان اسناد، کارکرد و کارگفت هستند نیز تاثیرگذار است.

۳-۳- جهان‌های زیرشمول

سطح دیگری از انگاره جهان‌های متن که در این داستان بررسی شده است، لایه جهان‌های زیرشمول نام دارد. شایان ذکر است که در هر گفتمانی، نوعی تحول و دگرگونی از یک فضا به فضایی متفاوت صورت می‌گیرد و این تحول همزمان است با دگرگونی در مشخصه‌هایی از قبیل زمان و مکان. به باور ورث (۱۹۹۹: ۲۳۰-۲۲۴) جهان‌های زیرشمول به سه گروه عبارت اشاره‌ای^۱، نگرشی^۲ و معرفت‌شناختی^۳ تقسیم می‌شوند که در ادامه، بر اساس این جهان‌ها به بررسی ۹ بند از این داستان خواهیم پرداخت.

الف. جهان زیرشمول عبارت اشاره‌ای

این جهان هنگامی متبلور می‌شود که شرکت‌کنندگان در گفتمان گوشه‌چشمی نیز به زمان، مکان و اشیا داشته باشند. این اشاره‌ها می‌توانند گذشته‌نگر یا آینده‌نگر باشند که نشان از یادآوری دارند. همراه این یادآوری، قیده‌های زمانی متناسب با آن نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ قیده‌هایی همچون «آن زمان‌ها، درآینده» که شکل‌دهنده همان اشاره‌های گذشته‌نگر یا آینده‌نگر هستند.

ب. جهان زیرشمول نگرشی

جهان زیرشمول اشاره‌ای شامل اشاره‌های متنی می‌شود که آرزوها، باورها و اهداف شرکت‌کنندگان در گفتمان را سامان می‌بخشد که بر اساس آرزو، باور یا هدف شرکت‌کنندگان یا شخصیت‌ها شکل می‌گیرند.

1. deictic sub-world

2. attitudinal sub-world

3. epistemic sub-world

ج. جهان زیرشمول معرفت‌شناختی

جهان زیرشمول معرفت‌شناختی به نقش شرط در شکل‌گیری جهان زیرشمول و در نتیجه، جهان متن می‌پردازد. گاوینز (۲۰۰۷) بر این باور است که این نشانه‌های متنی در واقع، برای اندیشه زیربنایی متن به کار می‌آیند و از این حیث که به فرض و اندیشه‌ای نمایان در ویرای متن اشاره دارد، مهم و درخور توجه است. این جهان زیرشمول، ابزاری هستند که به واسطه آن‌ها انگاره جهان متن قادر به بازنمایی بُعد امکان و احتمال خواهد بود. جهان‌های فرضی از سوی شرکت‌کنندگان یا شخصیت‌ها و با به‌کارگیری گزاره‌هایی مانند «شاید»، «خواهد» و «باید» و همچنین ساخت‌های شرطی «اگر... پس» معرفی می‌شوند (استاک‌ول، ۲۰۰۲: ۱۴۱).

بند اول: در هر گفتمانی، تغییر از فضایی به فضای دیگر رخ می‌دهد. بنابراین، در این بند، جهان زیرشمول اشاره‌ای نشان از تغییر مکان از دشت به کلبه، و تغییر زاویه دید متکلم از دانای کل به دختر دارد که به صورت نقل قول مستقیم بیان شده است. سطر اول بند با کاربرد کلماتی مثل: «ژولیده و غرش» براءت استهلالی است که حاکی از اتفاق ناخوش‌آیند در پایان داستان دارد. گویا نویسنده در جهان اشاره‌ای خود به همین شیوه می‌خواهد آینده را ترسیم کند. همچنین، جهان زیرشمول معرفت‌شناختی با استعاره‌های «ابر انسان است - صحن مکان است» ساخته شده است.

بند دوم: جهان زیرشمول اشاره‌ای نشان از نقل قول مستقیم و عقب‌گرد زمانی است. همچنین استعاره یافت‌شده در بند بالا، «دیدن ماده متحرک است» که طرح‌واره حرکتی مفهوم انتزاعی «دیدن» از نقطه آغاز چشم به سوی فضای عینی صورت دختر رفته است که مبین جهان فرضی معرفت‌شناختی کارایی تاپان می‌باشد. همچنین، فوران احساس سوار با دیدن دختر، این تصور را به ذهن خواننده متبادر می‌کند که کارایی تاپان در پی هدفی وارد آن خانه شده است.

بند سوم: تغییر متکلم از دانای کل به دختر و نقل قول مستقیم به‌عنوان جهان زیرشمول اشاره‌ای و احساس دختر نسبت به کارایی تاپان و مکنونات قلبی‌اش که باعث تغییر چهره و اضطراب درونی و ظاهری او شده بود نیز به‌عنوان جهان زیرشمول نگرشی در نظر گرفته می‌شود. شاید اضطراب دختر بیشتر از آن‌که محصول احساسات سوار و او باشد، محصول فضای حاکم بر جامعه است که در تصور دختر مانع از شکل‌گیری این عشق خواهد بود.

بند چهارم: در این بند، زمان گذشته نشان از جهان زیرشمول اشاره‌ای دارد. ترسیم فضای باغ، خوشی‌ها، لذت‌های ابتدای عشق را متبادر می‌کند و خواننده باهوش در جهان اشاره‌ای خود

در خواهد یافت که این خوشی‌ها همانند همان زیبایی‌های باغ زودگذر و موقتی هستند. قیدهای «خرامان خرامان، گلچین گلچین»، تکرار واژه‌های «کارایی تاپان، حقیر، گل»، تضاد دو واژه «حقیر و بزرگ» و همچنین در جمله «مرغان خوش الحان روی شاخسار درختان نغمات عشق‌انگیز می‌خواندند» که نغمه عاشقانه سردادن مخصوص انسان است و در اینجا مولفه انسان‌نگاری را به بلبل یا پرنده نسبت داده است و در جمله «گل می‌گفتند و گل می‌شکفتند» که «گل» قلمرو مبدأ و «گفتن و شنیدن سخنان عاشقانه» قلمرو مقصد هستند، همگی مبین جهان معرفت شناختی‌اند.

بند پنجم: در اینجا، جهان زیرشمول اشاره‌ای با تغییر زاویه دید، نقل قول مستقیم و عقب‌گرد زمانی همراه است. عبارت استعاری «سخن گفتن ماده متحرک است»، قیدهای «همانا، بدرستی که» و تناقض دو واژه «روز و شب» نشانگر جهان فرضی معرفت شناختی هستند. «ماه سلطان خانم» دقیقاً جملات قبل را تکرار می‌کند؛ گویا بر خلاف پیرمرد، او عجله دارد که هرچه سریع‌تر مقدمات عیش و بزم دو نفره با کارایی تاپان را فراهم سازد. نویسنده با تکرار این عبارت از زبان ماه سلطان، در جهان نگرشی خود، باور کرده و تأکید به شکل‌گیری این حس را بیان می‌کند.

بند ششم: در اینجا، جهان زیرشمول اشاره‌ای نشان از نقل قول مستقیم است. در عبارت «هزار تا جان گرامی فدای هر قدمت»، کاربرد حرف اضافه «تا» در این جمله این مفهوم را متبادر می‌کند که «جان» قابل شمارش است. از طرفی، «جان» به جای خود حیوان و موجودی به کار رفته که می‌تواند در پیش و جلوی قدم کسی قربانی شود.

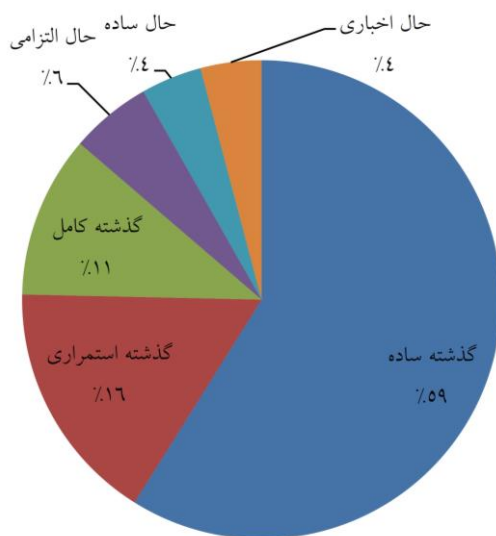
بند هفتم: در بند بالا، جهان زیرشمول اشاره‌ای به عقب‌گرد زمانی اشاره دارد. جهان نگرشی پیرمرد به دنبال شکل‌گیری ارتباط صمیمانه سوق می‌یابد و این هدف را دنبال می‌کند. گویی آن شک و رسمیت ابتدای امر اکنون جای خودش را به صمیمیت داده است. تکرار واژه «کارایی تاپان» و استعاره‌های «ادب احترام است-سخن انسان است» همگی مبین جهان معرفت شناختی هستند.

بند هشتم: جهان اشاره‌ای با تغییر زاویه دید از سالون به اطاق و به عقب‌گرد زمانی در گذشته اشاره دارد و همچنین، اجابت کردن دعوت پیرمرد حاکی از آینده‌نگری در جهان اشاره‌ای است. جهان زیرشمول نگرشی هدف با فعل «اجازه رخصت خواست» که به معنای «درخواست کردن» است و جهان زیرشمول معرفت شناختی با تکرار واژه «کارایی تاپان»، کاربرد فعل منفی در عبارت «خواب به دیده‌اش نمی‌آمد»، قید «ناگاه» و استعاره‌های «رقص انگشتان حرکت است- خواب انسان است- حرکت موجود جاندار است» مشخص شده‌اند.

بند نهم: در اینجا، جهان زیرشمول اشاره‌ای به زمان آینده اشاره دارد. نویسنده با کاربرد عبارت «صدای توپ درکرد» اشاره به مردن از نوع وخیم و حقارت‌آمیز کارایی تاپان دارد. گویا در جهان نگرشی نویسنده نوعی حسادت به عشق به آن دختر دیده می‌شود. جمله شرطی «اگر این قضیه رخ نمی‌داد»، کاربرد فعل منفی در فعل «رخ نمی‌داد» و قید «متأسفانه» مبین جهان معرفت شناختی راوی داستان است.

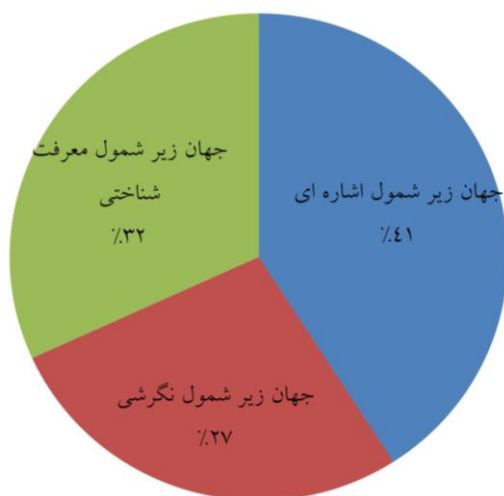
۴- نتیجه‌گیری

نویسنده آگاهانه داستان را از کلبه‌ای محقر شروع می‌کند تا به کمک فضاسازی به اوضاع روحی آشفته شخصیت اصلی داستان، یعنی کارایی تاپان، اشاره کند. سوق‌دادن داستان به قصری مجلل در ادامه، بیانگر این منظور است که شخصیت اصلی در پی حداقل بود، اما به یکباره با دنیایی متفاوت و فراتر از تصور مواجه می‌شود. در این داستان ۴۳ بار از زمان گذشته ساده استفاده شده است که اختلاف قابل توجهی با زمان‌های دیگر دارد. نویسنده آگاهانه با به‌کاربردن این زمان، گذشته را پراهمیت جلوه داده و چنین بیان می‌کند که آنچه قبلاً روی داده در ضمیر ناخودآگاه نویسنده سایه افکنده و در هرجایی که فرصتی می‌یابد، اثر خودش را بر داستان و زندگی نویسنده نمایان می‌سازد. نمودار زیر کاربرد انواع زمان‌ها را در متن داستان نشان می‌دهد.



نمودار (۱). توزیع فراوانی عناصر جهان‌ساز (زمان‌ها) در داستان

آنچه باعث شده است تا نمودار «زمان» ترسیم شود و نمودار سایر عناصر جهان‌ساز از قبیل شخصیت، شیء و مکان ترسیم نشود، اهمیتی است که عنصر زمان در پیشبرد جریان داستان دارد. نویسنده مدام داستان را در زمان‌های متفاوت به جریان می‌اندازد تا مخاطب خودش را در تعلیق نگه‌دارد. به گونه‌ای که خواننده را مدام بین گذشته و حال قرار می‌دهد و خواننده نمی‌تواند زمان را در بندهای بعدی حدس بزند، در حالی که شخصیت‌ها، مکان‌ها و اشیاء کاملاً شفاف و مشخص هستند و تعلیقی در آن‌ها دیده نمی‌شود. از نظر عنصر مکان، از واژه «کلبه» ۷ بار و واژه «باغ» حدود ۵ بار استفاده شده است. بسامد بالای واژه «کلبه» به خلوت و تنهایی و در عین حال ساده‌بودن این ارتباط اشاره دارد. از نظر شخصیت‌های داستان، اوایل داستان نقش کارایی تاپان پررنگ‌تر است، در اواسط داستان نقش دختر اوج می‌گیرد و در پایان داستان به موازات هم و به تعداد مساوی، داستان پایان می‌پذیرد. از نظر کاربرد اشیاء، تنوع مشاهده می‌شود و تمرکز بر روی شیء خاصی دیده نمی‌شود. همچنین، گزاره‌های نقش‌گستر به‌کاررفته در این داستان عموماً توصیفی هستند، نویسنده باید برای القای تصویر، توصیف کند و خواننده نیز برای ارتباط‌گرفتن با داستان باید تصویرسازی کند. بنابراین، توصیف مناسب‌ترین گزینه برای این مورد است. همچنین، از نظر جهان‌های زیرشمول نیز در این داستان، ابتدا اشاره مکانی چندان پررنگ نیست و در عوض نویسنده بیشتر بر زمان تأکید دارد. او می‌خواهد آینده خیالی ذهن کارایی تاپان را به تصویر بکشد. در ادامه کاربرد «مکان» سبقت گرفته و از خانه به باغ تغییر می‌کند که نشان‌دهنده خوشی اما زودگذر فضای داستان است. شایان ذکر است که در داستان از جهان‌نگرشی بسیار کم استفاده شده است و علت آن این است شخصیت اصلی داستان به اوج آرزوی خود رسیده است و نیازی به بیان آن نیست. در بخش معرفت‌شناختی از عبارات شرطی و تردیدآمیز یا آرزویی استفاده نشده است که علت آن شرایط مطلوب موجود است، اما همان‌طور که در بخش تحلیل‌ها ذکر شد، ساخت استعاری فزونی می‌گیرد تا فضای عاطفی و شاعرانه‌ای به ارتباط آن‌ها بدهد. نتایج کلی پژوهش نشان‌دهنده آن است که با بهره‌گیری از انگاره جهان‌های متن می‌توان به ابعاد و لایه‌های پنهان داستان دست یافت. از این‌رو، خواننده آگاه به این انگاره به‌خوبی می‌تواند لایه‌های معنایی پنهان‌شده در ورای واژه‌ها و جملات را با استفاده از این ابزارهای شناختی کشف کند و آنچه را که نویسنده به هر دلیلی نگفته است، درک کند و بشناسد. در نمودار زیر فراوانی توزیع جهان‌های زیرشمول نشان داده شده است.



نمودار (۲). توزیع فراوانی جهان‌های زیرشمول در داستان

منابع

- دهقان، مسعود و بهناز وهابیان. (۱۳۹۷) «خوانش استعاره‌ی-شناختی اشعار کابوس‌های روسی اثر پناهی بر اساس انگاره نظریه آمیختگی مفهومی». *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۹ (۱۷): ۱۶۶-۱۴۱.
- رضایی، حدائق، عادل رفیعی و مجتبی پُردل (۱۳۹۶). «سازوکارهای مفهومی دخیل در خوانش‌های گوناگون شعر از منظر شعرشناسی شناختی: مورد کامران رسول زاده». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، شماره ۱۷، ۷۹-۴۹.
- وهابیان، بهناز، مسعود دهقان، ابراهیم بدخشان و اکرم کرانی (۱۴۰۰). «جهان‌های متن داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی» اثر صادق هدایت بر اساس رویکرد شعرشناسی شناختی». *ماهنامه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، (بهار ادب سابق)، ۱۴ (۸) شماره پی در پی ۶۶: ۱۳۰-۱۰۵.
- هدایت، صادق (۱۳۱۲). *وغوغ ساهاب*، تهران: انتشارات جاویدان.

References

- Dehghan, M., Vahabian, B. (2018). Metaphoric Reading of the Poetry "Russian Nightmare" by Hossein Panahi based on Conceptual Blending Theory. *The Journal Of Linguistic and Rhetorical Studies*, 9(17), 141-166 (In Persian).
- Freeman, M. (2000). *Poetry and the Scope of Metaphor: Toward a Theory of Cognitive Poetics*. In *Metaphor & Metonymy at the Crossroads*, Ed. A. Barcelona, The Hague: Mouton de Gruyter.
- Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Hargreaves H. (2012). *A Text World Theory approach viewpoint analysis, with special reference to John le Carre's A Perfect Spy*. Lancaster University, UK.

- Hedayat, S. (1933). *Vagh-Vagh Sahab*. Tehran: Javidan Publication (In Persian).
- Obregón, Phyllis Herrin de, Rocio Conde Garcia, Alicia Sierra Diaz. (2009). *Text World Theory in the EFL Reading Comprehension Classroom*. Memorials del v foro de Studios en Lenguas Internacional, Universidad Autónoma de Querétaro.
- Rezaei, H., Rafi, A., Pordel, M. (2018). Conceptual Mechanisms Involved in Different Readings of a Poem within the Framework of Cognitive Poetics: The Case of Kamran Rasoolzadeh. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*, 9 (17), 49-79 (In Persian).
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge.
- Turner, M. (1996). *The literary mind*. Oxford University Press.
- Vahabian, B., Dehghan, M., Badakhshan, E., Korani, A. (2021). Text Worlds of the Story of "Aghabala and Company Limited Child" by Sadegh Hedayat Based on Cognitive Poetics Approach. *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose*, 66(14), 105-129 (In Persian).
- Van der Bom, I. (2015). *Text World Theory and stories of self: A cognitive discursive approach to identity*, School of English Literature, Language and Linguistics.
- Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.